

فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۲، صص ۴۷-۵۵

وزن شعر در اشعار یازده هجایی شهرضایی^۱

امید طیب‌زاده^۲

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا

مآئده میرطلائی

دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا

چکیده

در این مقاله براساس توصیف لازار (۱۹۸۵ و ۲۰۰۷) از اشعار پارتی و توصیف طیب‌زاده (۱۳۸۲) و (۱۳۹۲) از اشعار فارسی عامیانه و فهلویات، چهار فرضیه کلی را در مورد ویژگی‌های وزنی در اشعار محلی شهرضایی بررسی می‌کنیم. اولین فرضیه ما این است که هجای پایانی هر پایه که تکیه وزنی می‌گیرد، هجایی سنگین است. فرضیه دوم این است که در صورت سنگین نبودن هجایی که تکیه وزنی می‌گیرد، این هجا لزوماً در پایان واژه قرار دارد و در نتیجه دارای تکیه واژگانی است. فرضیه سوم این است که هجاهایی که در پایان هر پایه قرار ندارند و در نتیجه تکیه وزنی نمی‌گیرند دارای رابطه خاصی با وزن هجا نیستند، یعنی ممکن است سبک باشند یا سنگین. و فرضیه چهارم هم به محل مکث شطر و پایه در این اشعار مربوط می‌شود، به این معنا که محل مکث در این اشعار مانند اشعار عامیانه فارسی از نوع قطع است، یعنی لزوماً در پایان واژه قرار نمی‌گیرد بلکه در وسط هم واژه هم ممکن است ظاهر شود. برای تحلیل آماری این موارد، هجاهای پایانی و غیرپایانی را در پایه‌های ۵۰ مصراع از اشعار عامیانه شهرضایی در برنامه اکسل مدخل کردیم و با مطالعه‌ای آماری به این نتیجه رسیدیم که فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم ما صحیح بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اشعار محلی گونه شهرضایی، تکیه وزنی، هجای سنگین، هجای سبک، محل مکث.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۲

otabibzadeh@yahoo.com

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۳

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۱- مقدمه

لازار^۳ (۱۹۸۵ و ۲۰۰۷) در بررسی وزن اشعار پارسی، به وجود پایه‌هایی اشاره می‌کند که مرکب از یک یا چند هجای سبک و فقط یک هجای سنگین است. وی وزن این اشعار را براساس تکرار ضرب‌آوایی^۴ می‌داند که لزوماً بر تکیه کلمات منطبق نیستند، اما همواره بر روی هجای آخر هر پایه قرار می‌گیرند. لازار معتقد است کمیت هجایی نیز در وزن این اشعار نقش خاصی برعهده دارد؛ یعنی ضرب‌آواها روی هجای سنگین هر پایه قرار می‌گیرند و عموماً، اگر نه همیشه، با تکیه کلمات منطبق هستند. در این حالت تعداد هجاهای بین دو ضرب‌آوا ممکن است متفاوت باشد اما تعداد هجاهای سنگین در این فاصله محدود است. طبیب‌زاده (۱۳۸۲) نیز هر مصراع یازده هجایی شعر عامیانه فارسی را مرکب از دو شطر و هر شطر را مرکب از معمولاً دو پایه می‌داند و تصریح می‌کند که در این اشعار همواره آخرین هجای هر پایه و آخرین هجای هر شطر لزوماً دارای تکیه وزنی است. در این معنا براساس خوانش طبیعی اشعار، پایه‌های اشعار محلی شهرضایی را به پایه‌ها و شطرهايشان تقطیع کردیم و هجاهای شطر و پایه را مشخص نمودیم. فرض ما این است که این اشعار هم مثل سروده‌های پارسی دارای ضرب‌آوایی هستند که بر روی هجاهای پایانی هر پایه و شطر قرار می‌گیرند و هجاها نیز یا لزوماً سنگین هستند یا اگر سنگین نیستند در پایان واژه قرار دارد. فرض دیگرمان این است که هجاهایی که در غیر از این محل قرار می‌گیرند، یعنی هجاهایی که تکیه وزنی نمی‌گیرند، رابطه‌ای با وزن هجا ندارند و به هر دو صورت سبک و سنگین ظاهر می‌شوند.

برای جمع‌آوری شعرهای محلی گونه شهرضایی، از گویشوران کم‌سواد و یا بی‌سواد بالای ۶۰ سال خواستیم تا شعرهای محلی را به شیوه معمول و مرسوم خود بخوانند. از میان این اشعار ۵۰ مصراع را که در میان گویشوران رواج بیشتری داشت برگزیدیم و به پایه‌ها و شطرهاى تشکیل‌دهنده‌شان تقطیع کردیم. سپس براساس فرضیات مطرح شده

3. G. Lazard

4. ictus

به تحلیل آماری آن‌ها در برنامه اکسل پرداختیم. اما پیش از ارائه آمار و ارقام مربوط به این محاسبات لازم است اندکی درباره اساس وزن در اشعار شهرضایی سخن بگوییم.

۲- وزن اشعار شهرضایی

تصور غالب این است که فهلویات و ازجمله اشعار شفاهی شهرضایی مانند اشعار رسمی فارسی، دارای وزن عروضی هستند و به راحتی می‌توان آن‌ها را به افعیل عروضی تقطیع کرد. این تصور تاحدی صحیح است، اما ویژگی‌هایی در فهلویات وجود دارد که مطلقاً در چهارچوب اوزان عروضی نمی‌گنجد و با آن قابل توجیه نیست. فهلویات یا اشعار محلی امروز ایران بازمانده اشعاری هستند که در پیش از اسلام در ایران رواج داشته‌اند و وزن آن‌ها نیز به هیچ وجه عروضی نبوده است. پس از اسلام برخی از این اشعار، مانند دوبیتی‌های باباطاهر، به تدریج فارسی و عروضی شدند و برخی نیز به شکل گونه‌های محلی به حیات خود ادامه دادند. وزن این گونه‌های اخیر نیز گاه شباهت زیادی به بحر هزج پیدا کرده است، اما معمولاً در هر مصراع مواردی یافت می‌شود که مطلقاً با اصول عروضی وزن هزج قابل توصیف و توجیه نیستند (طیب‌زاده، ۱۳۹۲). چنان‌که می‌دانیم در اشعار عروضی اولاً تعداد کمیت‌های تشکیل‌دهنده مصراع‌های هر شعر باید مساوی باشند و ثانیاً نوع این کمیت‌ها باید نظیر به نظیر یکسان باشند، یعنی در تمام مصراع‌ها همواره کمیت بلند در مقابل بلند قرار بگیرد، و کمیت کوتاه در مقابل کوتاه. حال بیتی از اشعار محلی شهرضایی را در نظر می‌گیریم:

berujæm va kunid hæргеz næbændid

به رویم واکونید هرگز نبندید: - - - - - / - - - - - / - - - - -

hænaje bi kesi dæssom næbændid

حنای بی کسی دستوم نبندید: - - - - - / - - - - - / - - - - -

چنان‌که می‌بینیم رکن دوم در مصراع نخست یک کمیت کوتاه اضافه دارد که با هیچ‌یک از اختیارات و ضرورت‌های عروض جدید قابل توجیه نیست. یا رکن نخست در

مصراع اول بیت زیر نه «مفاعیلن»، بلکه «فاعیلان» است که این امر نیز هیچ توجیهی در عروض سنتی ندارد:

mašinom čəp šode dər daməni ku

ماشینوم چپ شده در دامنی کو: - - - - / - / - - - -

otaqoš rafde zira tajeraš ru

اتاقوش رفته زیرا طیراش رو: - - - - / - / - - - -

یا با توجه به وضعيت كميت‌ها در شعر زیر می‌بینیم که مصراع‌های سوم و مخصوصاً چهارم دارای كميت‌هایی هستند که مطلقاً در چهارچوب توصیفات عروضی نمی‌گنجند:

xudavanda delom angora mixad

خوداوندا دلوم انگورا میخواد: - - - - / - / - - - -

zəni zešda zəni məqbula mixad

زنی زشدا رنی مقبولا میخواد: - - - - / - / - - - -

zəni zešda mixam bər xunedari

زنی زشدا میخوام بر خونه داری: - - - - / - / - - - -

zəni maqbul mixam bər čərx suvari

زنی مقبول میخوام بر چرخ سوواری: - - - - / - / - - - -

تعداد این قبیل موارد در هر بیت معمولاً بسیار بیش از این مقدار است. حال این سؤال پیش می‌آید که پس وزن اشعار محلی را در چه قالبی باید بررسی کرد؟ طیب‌زاده (۱۳۸۲: ۷۲) معتقد است که مهم‌ترین مسئله در تعیین وزن شعر عامیانه مشخص کردن پایه‌ها و شطرهای آن است. پایه کوچک‌ترین واحد وزنی در شعر عامیانه است که خود مرکب از یک یا چند هجاست که با یک تکیه یا ضرب قوی گرد هم می‌آیند. وی همچنین به مکث‌هایی در اشعار عامیانه اشاره می‌کند که همواره پس از هجاهای تکیه‌بر ظاهر می‌شوند و پایه‌ها را پدید می‌آورند. از ترکیب پایه‌ها با هم نیز شطرها به وجود می‌آیند. در این معنا اگر هجاهای تکیه‌بر را با «تق»، هجاهای بی‌تکیه را با «ت» نمایش دهیم و همچنین اگر مرز میان پایه‌ها را با یک خط کج (/) و مرز میان شطرها را با دو خط کج (//) نمایش دهیم، بازنمایی وزن اشعار به شکل زیر درمی‌آید:

به رویم واکونید هرگز نبندید: ت / تق / تق // ات / تق // ات / تق // ات / تق // ات / تق

حنای بی کسی دسّوم نبندید: ت / تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق

ماشینوم چپ شده در دامنی کو: ت / تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق
اتاقوش رفته زیرا طایراش رو: ت / تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق

اون یاری منس کا می رود سر بالا: تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق
چادر بزئید خیمه کنید صحرا را: تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق

عرق چینی سرود سیم کش کونم من: ت / تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق
سه دنگی قمشه را پیش کش کونم من: ت / تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق

با ماشین می رونم تو پیچ پیچای لار: ت / تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق
به امیدی خودا با دنده ای چار: ت / تق / تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق // تق
چنان که می بینیم آنچه در هر بیت ایجاد وزن می کند آرایش یکسان شطرهاست و نه پایه‌ها؛ یعنی دو مصراع یک بیت ممکن است که دارای آرایش پایه‌های یکسان نباشند، اما آرایش شطرها در آن‌ها همواره یکسان است.

طیب‌زاده پایه‌های شعر عامیانه فارسی را به شرح زیر برمی شمرد (۱۳۹۰؛ برای بحث بیشتر درباره پایه‌ها در فارسی نیز رک. طیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۸-۶۳):

تق

ت تق

ت ت تق

با کمی دقت می بینیم که پایه‌های اشعار عامیانه شهرضایی نیز جز این نیست. حال اگر یک اختیار شاعری ساده را هم به موارد فوق بیفزاییم، کار توصیف وزن در این اشعار تقریباً تمام می‌شود. آن اختیار این است که شاعر می‌تواند به جای هجای سبک «ت» در پایه «ت تق»، از هجای سنگین «تق» استفاده کند؛ یعنی پایه «ت تق» را می‌تواند

به صورت پایه «تق تق» به کاربرد. در این معنا هر شطر لزوماً از دو و فقط دو هجای تکیه بر تشکیل می‌شود که اولی هجای پایه است و دومی هجای شطر. پس تقطیع اشعار فوق به شکل زیر درخواهد آمد (در زیر مواردی که اختیار شاعری فوق بر آن‌ها تأثیر گذاشته است خط کشیده‌ایم):

ت تق / تق / تق // ات تق / تق // ات تق / تق : به رویم واکنونید هرگز نبندید:
 ت تق / ت تق // ات تق / ات // ات تق / تق : حنای بی کسی دسوم نبندید:

ماشینوم چپ شده در دامنی کو: ت تق / تق // ات تق / تق // ات تق / تق
 اتاقوش رفته زیر طایراش رو: ت تق / تق // ات تق / ات // ات تق / تق

اون یاری منس کامی رود سر بالا: تق تق / ت ت تق // ت تق / ت تق // تق تق / تق
 چادر بزیند خیمه کنید صحرا را: تق تق / ت ت تق // تق تق / ت تق // تق تق / تق

عرق چینی سرود سیم کش کونم من: ت تق / تق // ات تق / تق // ات تق / تق
 سه دنگی قمشه را پیش کش کونم من: ت تق / تق // ات تق / ات // ات تق / تق

با ماشین می‌روم تو پیچ پیچای لار: ت تق / تق // ات تق / ات // ات تق / تق
 به امیدی خودا با دنده‌ای چار: ت تق / تق // ات تق / ات // ات تق / تق

۳- بحث

تکیه در پایه‌های اشعار محلی شهرضایی از نوع ضرب‌آوا یا ایکتوس است، یعنی تکیه‌ای که لزوماً بر تکیه وازگانی منطبق نیست. برای رسیدن به پاسخ فرضیه‌های مقاله از روشی آماری استفاده کردیم. بدین صورت که پس از تقطیع اشعار به پایه‌ها و شطرهای تشکیل دهنده‌شان، هجاهای آخر هر پایه را که محل ضرب‌آوا است در برنامه اکسل مدخل کردیم. در این تحلیل در پی پاسخ‌گویی به این فرضیه بودیم که چند

درصد از هجاهای آخر هر پایه، هجای سنگین (از نوع cV, cvc, cVc, cvcc, cVcc) و چند درصد هجای سبک (cv) هستند. پس از آن هجاهای غیرپایانی را هم در برنامه اکسل مدخل کردیم تا ارتباط هجاهای غیرپایانی (هجاهای غیر ایکتوس) را با وزن هجا به دست بیاوریم. در پنجاه مصراع در نظر گرفته شده ۷۵ درصد از هجاهایی که تکیه وزنی گرفتند دارای هجای سنگین و ۲۵ درصد باقی مانده دارای هجای سبک هستند، اما این هجاهای سبک تماماً در آخر واژه قرار دارند. در مورد این سؤال نیز که چه ارتباطی بین هجاهای بدون تکیه وزنی (یعنی هجاهای غیرپایانی در هر پایه) و وزن آن هجاها قرار دارد، دیدیم که تعداد هجاهای سبک ۶۰ درصد و تعداد هجاهای سنگین ۴۰ درصد است؛ به عبارت دیگر ارتباط معناداری بین هجاهای بدون تکیه وزنی و وزن آنها وجود ندارد.

در پایان به بررسی محلّ مکث در اشعار محلی شهرضایی پرداختیم و دیدیم که محلّ مکث در این اشعار لزوماً در پایان واژه قرار ندارد بلکه ممکن است در وسط واژه باشد؛ به عبارت دیگر مکث در این شعر از نوع قطع است. توضیح آنکه در شعر عامیانه ترکی همه مکث‌ها از نوع فصل است (ضیامجیدی، ۱۳۸۸)، یعنی مکتبی است که فقط در پایان واژه قرار می‌گیرد. در هر حال پس از تحلیل آماری محلّ مکث در اشعار محلی گونه شهرضایی به این نتیجه رسیدیم که ۸۰ درصد مکث‌ها از نوع قطع است، به این صورت که مکث در این اشعار لزوماً در پایان واژه قرار نمی‌گیرد، بلکه در وسط واژه هم ممکن است وجود داشته باشد. در مثال زیر موارد قطع را با خطی که در زیر آنها کشیده‌ایم مشخص ساخته‌ایم:

xuda/vanda// delom/ angu//ra mi_xad

خوداوندادلوم انگورا میخواد: ت تق تق تق // ت تق تق تق // ت تق تق

zæni /zešda// zæni/ mæqbu//la mi_xad

زنی زشدا زنی مقبولا میخواد

zæni /zešda// mixam/ bæx xu//ne/dari

زنی زشدا میخوام بر خونه داری

zæni/ maqbul// mixam/ bæx čærx// suva_ri

زنی مقبول میخوام بر چرخ سوواری

پس از تحلیل آماری محلّ مکث در اشعار محلی گونه شهرضایی به این نتیجه رسیدیم که ۸۰ درصد از نوع مکث قطع است. به این صورت که لزوماً مکث در این اشعار در پایان واژه قرار نمی‌گیرد و در وسط واژه هم ممکن است مکث وجود داشته باشد.

۴- نتیجه‌گیری

پایه‌های شعر عامیانه گونه شهرضایی دارای هجاهای پایانی هستند که محلّ تکیه وزنی یا ایکتوس می‌باشند. در این مقاله با بررسی هجاهای پایانی و غیرپایانی و محلّ مکث در پنجاه بیت از این اشعار به نتایجی دست یافتیم: اول اینکه بین هجایی که تکیه وزنی می‌گیرد و وزن هجا رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی هجایی که تکیه وزنی می‌گیرد یا هجای سنگین است یا اگر سنگین نباشد لزوماً در پایان واژه قرار دارد. دوم اینکه هجاهای غیر پایانی یا هجاهایی که محلّ ضرب‌آوا یا ایکتوس نیستند، با وزن هجا رابطه‌ای ندارند؛ یعنی در این محل‌ها هم هجای سنگین و هم هجای سبک مشاهده شد؛ و سرانجام اینکه مکث در این گونه از اشعار لزوماً در پایان واژه قرار نمی‌گیرد بلکه در وسط واژه هم ممکن است قرار گیرد.

منابع

- ضیامجیدی، لیلا (۱۳۸۸). دو نوع وزن در اشعار ترکی شهریار: تحقیقی براساس نظریه وزنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۲). تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی (همراه سیصد قطعه شعر عامیانه و تقطیع آن‌ها). تهران: نیلوفر.
- (۱۳۸۸). ساخت وزنی و تکیه واژه در فارسی، پژوهشی براساس نظریه تکیه وزنی. پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال اول، شماره اول، ۶۳-۷۸.
- (۱۳۹۰). سنت، توصیف و نظریه در عروض فارسی. در: وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز، مجموعه سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و

اشعار ایرانی در انجمن زبان‌شناسی ایران، به همت امید طبیب‌زاده (صص ۱-۳۰).
تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

----- (زیر چاپ). بررسی تاریخی وزن در فهلویات. گویش‌های ایرانی، ضمیمه
نامه فرهنگستان.

Lazard, G. (1985). La Métrique de la Poésie Parthe. Papers in Honor of
Professor Mary Boyce, *Atca Iranica*, 25, 371-399.
----- (2007). La Versification en Parth et son Heritage Person. In: M.
Macuch, M. Maggi and W. Sundermann (Eds.), *Iranian Languages
and texts from Iran and Turan, Roland E. Emmerick Memorial
Volume*. Wiesbaden: Harrassowitz.

